

مهوریت‌زدایی از قرآن در گرو رویکرد انگیزشی و کاربردی است

عضو هیئت علمی گروه قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان، با بیان اینکه مهوریت‌زدایی از قرآن در گرو رویکرد انگیزشی و کاربردی است، تأکید کرد: نباید صرفاً به قرآن نگاه تقدسی داشته باشیم، بلکه باید به عنوان یک کتاب انگیزشی، عملی و کاربردی نگاه کنیم.

تاریخ: ۰۶ آبان ۱۳۹۹ - ۱۲:۲۱

کد خبر: ۳۹۳۱۵۲۵



صاحب‌نظران درباره علل مهوریت قرآن دیدگاه‌های مختلفی مطرح کرده‌اند. در این میان برخی معتقدند مهوریت قرآن ناشی از ضعف اراده مسلمانان است که باعث شده قرآن و مفاهیم آن به صورت عملی در جامعه تحقق پیدا نکند، خبرنگار ایکنای اصفهان، در همین رابطه گفت‌وگویی با حجت‌الاسلام محمد سلطانی، عضو هیئت علمی گروه قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان، داشته است که متن آن را در ادامه می‌خوانید:

بیشتر بخوانید:

• [عملیاتی‌سازی تدریجی معارف قرآن مبتنی بر جامعه‌شناسی](#)

ایکنای - مفهوم مهوریت قرآن به چه معناست؟

در قرآن مطرح شده است که پیامبر(ص) در صحنه قیامت این مفهوم را به کار خواهند برد. خداوند همان‌طور که از انسان‌های عادی حسابرسی می‌کند، از پیامبران خود نیز حسابرسی خواهد کرد. خداوند از پیامبر(ص) سؤال می‌کند که چرا جامعه اسلامی و مسلمانان به این وضع نادرست و فلاکت‌بار افتادند؟ باید توجه داشته باشیم که جوامع اسلامی از نظر جمعیت، منابع زیرزمینی، وضعیت جغرافیایی ثروتمند هستند، ولی به هر حال جهان سوم محسوب می‌شوند و در صحنه مناسبات جهان تصمیم‌گیرنده نیستند. طبیعی است که خداوند از پیامبر(ص) سؤال کنند مسلمانان چرا به این وضع دچار شدند؟ قرآن از قول پیامبر(ص) نقل می‌کند: «یا رَبِّ اِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا»؛ یعنی قوم من قرآن را مهجور کردند. هجران به معنای قهر است. در روایات داریم که انسان‌ها نباید بیش از 3 روز با یکدیگر قهر باشد. قهر کردن، برکنار گذاشتن، نادیده گرفتن از مصادیق مهوریت هستند.

ایکنای - در واقع می‌شود گفت که فاصله گرفتن مسلمانان از قرآن به نوعی باعث مهوریت قرآن شده است؟

ما مسلمانان عمدتاً به قرآن به عنوان یک متن مقدس نظر داریم که کمال احترام را نسبت به آن ابراز می‌کنیم؛ یعنی آن را می‌بوسیم، بر سر می‌گذاریم و در یک جای مشخص از خانه قرار می‌دهیم و هر گاه در نقطه‌ای از جهان، کسی به قرآن توهین کند، براشفته می‌شویم، اما اینکه قرآن را صرفاً به عنوان یک امر الوهی و مقدس دانسته و تنها وظیفه‌مان را در قبال آن ادای احترام بدانیم، هر چند که کار صحیح و ارزشمند است، اما به معنای فروکاستن قرآن نیز تلقی می‌شود، زیرا به قرآن بسیار محدود نظر داریم و بعضاً آیات آن را که به کار امروز ما می‌آید، نادیده می‌گیریم. به عنوان مثال در قرآن آمده است: «وَإِنْ كَانَ دُوْ عَشْرَةَ فَنَظِرَةً إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ؛ و اگر [بدهکار] تنگدست بود [بر شماست که] او را تا هنگام توانایی مهلت دهید و بخشیدن همه وام [و چشم‌پوشی و گذشت از آن در صورتی که توانایی پرداختش را ندارد] اگر [فضیلت و ثوابش را] بدانید برای شما بهتر است». اما بعضاً در چنین شرایطی این آیه را کنار می‌گذاریم و بدهکار را زندانی می‌کنیم. این نشان می‌دهد به قرآن فقط به عنوان یک کتاب نورانی و مقدس و برای ثواب توجه داریم.

ایکنا - چه عواملی باعث شد تا رویکرد ما به قرآن فقط برحسب مواجهه با یک نوع متن مقدس باشد، نه یک کتاب به عنوان راهنمای عمل؟

در مواجهه با سیره پیامبر(ص) و ائمه(ع) نیز فقط همان جنبه احترام را در نظر می‌گیریم. ولی وقتی صحبت از پیروی و تبعیت از سیره آن معصومین می‌شود، آن را نادیده می‌گیریم و کنار می‌گذاریم، چون تبعیت از سیره معصومین(ع) سخت است، در حالی که بزرگداشت قرآن، عزاداری، برپایی جشن میلاد ائمه(ع) بسیار آسان است. پیروی از سیره معصومین مشکل است، به همین دلیل کار سخت را وا می‌گذاریم و به کارهای آسان می‌پردازیم. در واقع ما به آیات قرآن و سیره معصومین توجهی نمی‌کنیم.

ایکنا - علاوه بر این راحت‌طلبی که باعث می‌شود سختی عمل به آموزه‌های قرآن را بر خود حمل نکنیم، چه عواملی باعث مهجوریت قرآن شده است؟

به نظر می‌رسد تأثیر عوامل دیگر بسیار کمتر است. درست است که قرآن به زبان عربی نازل شده است و به همین دلیل برای فهم و درک آن نیازمند یک واسطه هستیم، واسطه‌ای که بتواند آیات عربی قرآن را برای ما ترجمه و تفسیر کند. کما اینکه امروز آثار فلسفه باستان را هم به واسطه ترجمه‌ها می‌خوانیم، ولی به نظر می‌رسد دلیل مهجوریت قرآن فاصله زمانی و تفاوت زبانی باشد. در سوره احزاب آمده است: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا». در این آیه از ما خواسته شده بر پیامبر درود بفرستیم، و آن گونه که شایسته است، تسلیم او باشیم. اما ما «صَلُّوا عَلَيْهِ» را به خوبی و در شئون مختلف زندگی انجام می‌دهیم، ولی به جنبه «وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» توجهی نشان نمی‌دهیم. در حالی که «وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» یعنی اینکه پیامبر(ص) را به عنوان راهبر و آموزگاری که آمده ما را از تنگناها نجات بدهد، الگو قرار دهیم.

ایکنا - در واقع علت مهجوریت قرآن را همان تک علتی می‌دانید که به آن اشاره کردید و معتقدید عوامل دیگری در این خصوص دخیل نیستند.

بله. واقعیت این است که تغییر رویه و اصلاح رفتار خیلی مشکل است و این در مورد همه ما صدق می‌کند. مثلاً اگر به ما بگویند در طول چهار دهه‌ای که از زندگی‌تان گذشته، غذا خوردن، لباس پوشیدن، سخن گفتن و فکر کردن شما نادرست بوده است و حتی دلیل برایمان بیاورند، باز هم تغییر شیوه و سبک زندگی برای ما بسیار سخت است. اگر گفته شود 10 روز از سال را برای عزاداری یا جشن تعطیل کنید، از اینکه سر کار نمی‌رویم و حتی می‌توانیم به سفر برویم، خوشحال می‌شویم. این نه تنها سخت نیست، بلکه مطابق میل و

خواست هر انسانی است. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرمود چون در سرزمین‌های اسلامی، افراد فقط در روز عید قربان گوشت می‌خورند، من هم فقط در این روز از گوشت استفاده می‌کنم و غذایم باید مثل سایر مسلمانان باشد. یا پیامبر اکرم (ص) دربان نداشت که پشت در بایستد و مردم را معطل کند، ولی امروز چه کسی حاضر می‌شود به این شیوه عمل کند؟ هیچ‌کس، چون کار بسیار سختی است.

ایکنا - شما راه‌حل این مسئله را چه می‌دانید؟ چه راهکاری برای مهاجرت‌زدایی از قرآن وجود دارد؟

باید نگاهمان را به قرآن تغییر دهیم و از درصد و میزان نگاه تقدسی به قرآن کم کنیم. این حرف به این معنا نیست که قرآن مقدس نیست، بلکه در باور ما مسلمانان، قرآن مقدس‌ترین کتاب و وحی الهی است و در این شکی نیست، ولی می‌خواهم بگویم که این دید تقدس‌انگارانه را کنار بگذاریم، البته در موارد خاصی می‌توانیم از آن استفاده کنیم. در حال حاضر، منابعی با عنوان کتاب‌های انگیزشی در خصوص سبک زندگی، موفقیت، بازاریابی و فروش به رشته تحریر درمی‌آید و افرادی که این کتاب‌ها را می‌خوانند، واقعاً می‌خواهند مطالب مندرج در آنها را به کار ببندند، پس چرا ما به قرآن به دید یک کتاب زندگی نگاه نکنیم؟ این توصیه‌ای بود که یکی از مراجع تقلید بزرگوار که از دنیا رفته‌اند، حدود 20 سال پیش در قم به من داشتند و گفتند علاوه بر تلاوت قرآن به عنوان متن مقدس، گاهی قرآن را به عنوان یک کتاب مطالعه کن. اگر کسی عربی می‌داند و می‌تواند متن اصلی را بخواند، بهتر است و اگر نمی‌تواند، به یک ترجمه یا تفسیر معتبر مراجعه کند، یا از کسی که پژوهشگر حوزه قرآن است، بخواهد تا آیه‌ای را برایش توضیح دهد.

اگر به قرآن به عنوان یک کتاب انگیزشی، عملی و کاربردی نگاه کنیم، حتی لازم نیست به تمام مطالبش عمل کنیم، بلکه می‌توانیم آیه‌ای را که در هر مقطع می‌تواند گره‌گشای ما باشد، به عنوان دستورالعملی کاربردی که براساس خرد و حکمت تدوین شده است، پذیرا باشیم. باید به تدریج نگاه خود را نسبت به قرآن کریم، پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) به این نحو اصلاح کنیم که این‌ها صرفاً مخلوقات الهی، مقدس و نورانی نیستند، بلکه در همین کره زمین و در میان انسان‌ها موفق به تمدن‌سازی و انسان‌سازی شده‌اند.

ایکنا - اینکه گفتید قرآن را مثل یک کتاب انگیزشی مطالعه کنیم، آیا نویسندگان و محققان حوزه قرآن آموزه‌های این کتاب در حوزه‌های مختلف را یک به یک استخراج کرده و با زبان ساده و روان و به صورت مصداقی، عملی و کاربردی در قالب کتابی خواندنی و جذاب بیان کرده‌اند؟ چقدر کارهایی از این قبیل در مورد قرآن انجام شده است؟

شرط عملی و کاربردی بودن کتاب‌ها و برنامه‌های رسانه‌ای در حوزه قرآن، این است که مبنای علمی داشته و براساس مقدمات علمی استوار شده باشند، نه اینکه بر پایه دیدگاه‌های شخصی و حدس و گمان باشند و بتوان از آنها دفاع کرد. متأسفانه بسیاری از مکتوبات و برنامه‌ها در حوزه قرآن، از افرادی سرچشمه می‌گیرد که کارشناس این حوزه نیستند، نه تحصیلات حوزوی دارند و نه تحصیلات دانشگاهی و سخنانی می‌گویند که به جای گره‌گشا بودن، گره‌انداز بوده و به جای اینکه شبهه‌ای را پاسخ دهد، شبهه ایجادکن است. سخن گفتن از قرآن شروطی دارد و فرد باید فوق‌العاده زیاد عربی بداند، بر علوم صرفونحو و لغت و بلاغت سیطره کامل داشته باشد، تاریخ نزول قرآن و کلام اسلامی را بداند و متخصص تفسیر قرآن باشد. اگر کسی از روی علم سخن نگوید، سخنش جاهلانه است و این نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند، بلکه به مشکلات اضافه می‌کند. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «کسی که بدون دانش عمل می‌کند، مثل کسی است که راه را اشتباه می‌رود و هر چه پیش‌تر می‌رود، از هدفش دورتر می‌شود». این شرط اول است که متأسفانه در بسیاری از کتاب‌ها و برنامه‌ها مدنظر قرار نمی‌گیرد و افرادی هستند که به دلیل شهرت یا داشتن منفعت در حوزه‌های دیگر، در مورد قرآن سخن می‌گویند. برای من جای تعجب و تأسف داشت که با وجود تأکید بر تخصص‌گرایی در دانشگاه‌ها، یکی از اساتید علوم فنی در سطح شهر جلسات نهج‌البلاغه برگزار می‌کرد. برای من این سؤال به

وجود آمده بود که این فرد چگونه این کار را انجام می‌دهد، در حالی که نهج‌البلاغه یک متن سنگین عربی است و در عین حال، چگونه همین فرد بر تخصص‌گرایی تأکید دارد؟ آیا شرح نهج‌البلاغه تخصص نمی‌خواهد و چگونه است که افراد غیرمتخصص در مورد آن اظهارنظر می‌کنند؟

اینکه آیا کتاب‌هایی در حوزه قرآن وجود دارد که امروزی، عملی و کاربردی و البته علمی، مستند و کارشناسی شده باشد و به قلم یک دین‌پژوه و قرآن‌پژوه معتبر به رشته تحریر درآمده باشد، فقط می‌توانم از کتاب‌های مرحوم علی صفایی حائری نام ببرم که کتاب‌های خود را با عنوان «عین.صاد» امضا می‌کرد و به زبان امروزی و با توجه به مشکلات و گره‌های امروز، به آیات قرآن می‌پرداخت. من در مورد شخص خودم نیز باید این نقد و انتقاد را در نظر بگیرم که نوشته‌هایم در خصوص قرآن نباید فقط به یک‌سری مسائل پژوهشی صرف منتهی شود، بلکه باید یک چشم به والایی قرآن و پژوهش در آیات آن داشته باشم و یک چشم به جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنم و گره‌ها و مشکلاتی که در آن وجود دارد.